



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

گروه روان‌شناسی

پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد

رشته روان‌شناسی عمومی

بررسی برخی همبسته‌های مذهبی اضطراب مرگ در

دانشجویان

استاد راهنما:

دکتر حسن یعقوبی

استاد مشاور:

دکتر علی محمدزاده

پژوهشگر:

فاطمه اصغری ترانچه

شهریور ۱۳۹۱

تبریز/ ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم بہ:

عصمت کون و مکان، فلسفہی بعثت، نبوت، ولایت، امامت، بقیۃ اللہ الاعظم (عج)

دستان نواز شکر مادرم

روح مہربان پدرم

قلب پر مہر خواہرم، طاہرہ

تمامی مردم زلزلہ زدہ می شہرستان اہر کہ اضطراب مرگ را با تمام وجود لمس کردند!

و

ہمدی آنان کہ دوستشان دارم.

«من لم یسکر المخلوق لم یسکر الخالق»

اکنون که به یاری ایندمنان این رساله به پایان رسیده است و خداوند مهربان قطره‌ای از علم بی‌نهایتش را بر من چشاییده است بر خود وظیفه می‌دانم پس از سجده‌ی شکر به نگاه‌های مهربانی‌ها، به رسم دیرینه‌ی شاکردی مراتب پاس و قدردانی خود را از زحمات بی‌شائبه‌ی اساتید گرانقدرم جناب آقای دکتر حسن یعقوبی که زحمت هدایت و راهنمایی این رساله را بر عهده داشتند و از ایشان درس افتادگی و ادب آموختم و جناب آقای دکتر علی محمدزاده که مشاورت این رساله را بر عهده داشته و صورانه‌کاستی‌های مراجعین نمودند بجای آورم به رسم پاس و به پاس صبوری ایشان، بهترین‌ها را برایشان آرزو مندم.

از استاد محترم داور جناب آقای دکتر عبدی که زحمت مطالعه‌ی این رساله را متقبل شدند نهایت امتنان و قدردانی را دارم.

هم‌چنین از کلیه‌ی همکارانم در مجتمع آموزشی و پرورشی شهید امیرزاده‌ی شهرستان خداآفرین که نهایت همکاری را با من داشته و مرخصی‌های مکرر مرا به دیده‌ی اغاض نگریستند و دانش آموزانم که زلال دعای دستهای کوچک و قلب بزرگشان، بدرقه‌ی راهم بودند نهایت پاس و قدردانی را دارم و در نهایت خود را بدین تمامی کسانی میدانم که در تدوین این رساله یاری‌گرم بودند و توفیق از پروردگار است.

فاطمه اصغری ترانچه

شهریور ۱۳۹۱

تبریز، ایران

چکیده

مقدمه: اضطراب مرگ عموماً به عنوان احساس ناراحتی توأم با ترسی که معطوف به مرگ خود یا دیگران است و با در نظر گرفتن مرگ، به عنوان پایان حیات یا تجسم مراسم تدفین و جسد برانگیخته می‌شود، تعریف می‌شود. این مفهوم چندبعدی به عوامل متعددی مانند سن، جنس، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و به‌ویژه به ارزش‌های مذهبی مرتبط است. **هدف:** بررسی رابطه‌ی برخی متغیرهای مذهبی مانند سبک‌های دلبستگی به خدا، جهت‌گیری مذهبی، راهبردهای مقابله‌ی اسلامی و عمل به باورهای دینی با اضطراب مرگ و نقش پیش‌بینی‌کنندگی آن‌ها در میزان اضطراب مرگ می‌باشد. **روش:** روش انجام پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد بدین منظور نمونه‌ای شامل ۴۲۲ نفر (۲۸۷ دختر و ۱۳۵ پسر) از بین دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان به‌طور تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده است. ابزارهای اندازه‌گیری شامل پرسش-نامه‌ی اضطراب مرگ تمپلر، مقیاس جهت‌گیری مذهبی فگین، سبک‌های دلبستگی به خدا بک و مک دونالد، راهبردهای مقابله‌ی اسلامی احتشام‌زاده و مقیاس عمل به باورهای دینی (معبد) گلزاری می‌باشد. داده‌ها از طریق آزمون همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام و تحلیل واریانس یک‌راهه و آزمون t مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش حاضر روشن ساخت که بین سبک دلبستگی اضطرابی به خدا و اضطراب مرگ در سطح $(p < 0/01)$ رابطه‌ی مثبت و معنادار و بین سبک دلبستگی اجتنابی به خدا و اضطراب مرگ در سطح $(p < 0/01)$ رابطه‌ی منفی و غیر معنادار و بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و اضطراب مرگ در سطح $(p < 0/01)$ رابطه‌ی مثبت و معنادار و بین جهت‌گیری مذهبی درونی، راهبردهای مقابله‌ی رفتاری و ابعاد عمل به باورهای دینی و اضطراب مرگ در سطح $(p < 0/01)$ ، رابطه‌ی منفی و معنادار و بین راهبردهای مقابله‌ی شناختی و عاطفی و اضطراب مرگ سطح $(p < 0/05)$ رابطه‌ی معنادار وجود دارد. علاوه بر این متغیرهای سبک دلبستگی اضطرابی به خدا، جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی و عمل به مستحبات توانستند اضطراب مرگ را پیش‌بینی نمایند. **نتیجه‌گیری:** مطالعه‌ی حاضر نشان داد متغیرهای مذهبی به‌طور منفی با اضطراب مرگ رابطه دارند و لذا سطوح بالای تقیدات مذهبی می‌تواند میزان اضطراب مرگ را کاهش دهد.

کلیدواژه‌ها: همبسته‌های مذهبی، اضطراب مرگ، دلبستگی به خدا، جهت‌گیری مذهبی، راهبردهای مقابله‌ی اسلامی، عمل به باورهای دینی.

فصل اول

کلیات پژوهش

همانا دشوارترین قدم، همان قدم اول است...

۱-۱- مقدمه

مرگ^۱ واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است و هر شخص ممکن است نسبت به آن برداشت و واکنشی منحصر بفرد داشته باشد. مرگ به خاطر اهمیت پر از ابهامش برای بسیاری از انسان‌ها به صورت تهدیدآمیز جلوه می‌کند. اضطراب و ترس از مرگ در میان تمام فرهنگ‌ها متداول است و ادیان مختلف به طرق گوناگون با آن برخورد می‌کنند (هورتا^۲ و یاپ^۳، ۲۰۰۶). از آنجایی که مرگ هرگز تجربه نشده است و هیچ‌کس آن را به وضوح لمس نکرده است همه به نوعی در مورد آن دچار اضطراب هستند ولی هرکس بنا بر عوامل معینی درجات مختلفی از اضطراب مرگ^۴ را تجربه می‌کند (سینگ^۵، سینگ و نظامی^۶، ۲۰۰۳).

روان‌شناسان علاقه‌مند به مطالعه‌ی دین مایلند مواردی همچون نگرش و واکنش نسبت به مرگ را مورد مطالعه‌ی تجربی قرار دهند و در این میان از روش‌های علوم رفتاری و اجتماعی معاصر برای رشد و گسترش روان‌شناسی دین بهره می‌برند. مرگ و زندگی پس از آن و نیز نگرش انسان به مرگ بدون تردید یکی از موضوعات اساسی مورد بحث در تمامی ادیان الهی است. به نظر می‌رسد رابطه‌ی مذهب با مرگ و اشتغالات ذهنی با آن به دیدگاه نظری فرد در ارتباط با مذهب بستگی داشته باشد (محمدزاده و نجفی، ۱۳۸۹).

آلپورت بیان می‌کند که در دو سطح می‌توان از مذهب صحبت کرد: مذهب رشدیافته^۷ و مذهب رشدنا یافته^۸ که اولی از خوداندیشی^۹ حاصل می‌شود و یک نظام سازمان‌یافته و یکپارچه را در شخصیت

^۱ -death

^۲ -Hurta

^۳ - Yip

^۴ -death anxiety

^۵ - Sing

^۶ - Nehzamia

^۷ -mature religion

^۸ - immature religion

^۹ -self thinking

آدمی ایجاد می‌کند و دومی هرچند منجر به توحید یافتگی شخصیت نمی‌شود، اما با ارضاء نفس همراه است. بر این اساس دو نوع جهت‌گیری مذهبی وجود دارد: جهت‌گیری مذهبی درونی^۱ که شامل تجربه کردن مذهب به عنوان عامل انگیزشی مهم در زندگی فردی است و کاملاً در زندگی درونی شده و عملی است و دوم جهت‌گیری مذهبی بیرونی^۲ که معادل مذهب رشدنا یافته است و شامل استفاده از مذهب برای دستیابی به بعضی از اهداف هم‌چون حمایت اجتماعی است. فرد با جهت‌گیری درونی سعی دارد به مذهب خدمت کند، در صورتی که فرد با جهت‌گیری بیرونی از مذهب برای رسیدن به مقام و کسب مقبولیت در جامعه، خانواده و حتی بالا بردن سطح اعتماد به نفس و توجیه اعمال خود استفاده می‌کند. اغلب مردم هر دوی این جهت‌گیری‌ها را در درجاتی به صورت نسبی دارند (محمدزاده و نجفی، ۱۳۸۹).

سپاه‌منصور و شهابی‌زاده (۱۳۸۷) تأثیر دلبستگی را بر اعتقادات مذهبی بسیار روشن و صریح می‌دانند، اولین نکته‌ی مشخص در تأثیر دلبستگی بر مذهب، مشاهده و بررسی ارتباط فرد با خداست، دلبستگی قلمرو وسیعی است که توسط بالبی^۳ و مطالعات گسترده‌ی وی مطرح شد. از حدود دهه‌ی ۹۰ کرک-پاتریک^۴، روان‌شناس دین^۵، دلبستگی را به عنوان چارچوبی توانمند برای درک و یکپارچه کردن بسیاری از جنبه‌های باور دینی اختیار نموده است (کرک‌پاتریک و شیور^۶، ۱۹۹۶، ۱۹۹۰؛ کرک‌پاتریک، ۱۹۹۹؛ روات و کرک‌پاتریک، ۲۰۰۲). تحقیقات مختلف نشان داده است که برداشت اصلی اکثر افراد از دین، داشتن رابطه‌ای نزدیک با خداوند است، نه صرفاً مجموعه‌ای از باورها و اعمال (کرک‌پاتریک، ۱۹۹۹؛ ارگیل^۷، ۲۰۰۰؛ روات کرک‌پاتریک، ۲۰۰۰ به نقل از سپاه‌منصور و شهابی‌زاده، ۱۳۸۷). علاوه بر آن تأکید بر مجاورت^۸ هر فرد با خدا و ارجاعات مکرر بر عشق^۹ بین بنده و خدا در غالب ادیان توحیدی^{۱۰} وجود دارد و وجود دارد «والذین آمنوا أشد حُباً لله»^{۱۱} افراد در زمان بروز بحران خدا را به عنوان پناهگاهی مطمئن^{۱۲} و

^۱ -intrinsic orientation

^۲ -extrinsic orientation

^۳ - Bowlby, J

^۴ - Kirkpatrick, L. A

^۵ - religion psychologist

^۶ - Shaver, P. R

^۷ - Argyel

^۸ - proximity

^۹ - Love

^{۱۰} - Theistic religions

^{۱۲} -Haven of safety

هم‌چنین پایگاهی امن^۱ جهت جست‌وجوگری در محیط می‌دانند(سپاه‌منصور و شهابی-زاده، ۱۳۸۷). پژوهش‌ها نیز ارتباط منفی بین دلبستگی به خداوند با اضطراب مرگ را گزارش می‌کنند(علیانسب، ۱۳۸۹).

داشتن اطمینان قلبی به خداوند به عنوان قدرت لایزال موجب می‌شود که فرد در سختی‌ها به اوپناه برده و سطح اضطراب و ناایمنی کم‌تری را تجربه کند(غباری‌بناب، حدادی کوهسار و سروش، ۱۳۸۹). شیوه‌های مقابله، توانایی‌هایی شناختی و رفتاری هستند که توسط فرد در معرض فشار، به منظور کنترل فشار روانی به کار می‌رود. در تعالیم اسلامی روش‌هایی برای مبارزه با سختی‌ها ذکر شده است(پورقانع؛ شریف‌آذر، زائر ثابت و خورسندی، ۱۳۸۹)، از این‌رو در مبارزه با مشکلات و سختی‌ها و ناملازمات زندگی، به‌کارگیری راهبردهای مقابله‌ی اسلامی^۲ به عنوان راه‌های کاهش‌دهنده‌ی تأثیرات منفی رویدادهای ناخوشایند زندگی، می‌تواند در افزایش بهزیستی ذهنی افراد نقش داشته باشد. ارتباط دائمی و پیوسته با منبع لایزال قدرت می‌تواند نگرش انسان را به جهان هستی و مشکلات آن تغییر داده و موجب امنیت‌خاطر برای او گردد. مطالعات نشان می‌دهد که اتصال به منبع غنی قدرت و پیوند عمیق با خداوند قادر و استفاده از راهبردهای مقابله‌ی اسلامی در شرایط ناگوار مانند توکل به خداوند، قرائت قرآن و صله‌ی ارحام می‌تواند در آرامش روحی و روانی انسان مؤثر بوده و موجبات آسایش او را فراهم سازد و در ارتقاء سلامت روان وی مفید باشد(غباری‌بناب، ۱۳۸۸؛ ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۱؛ حسن‌پور، یوسفی لویه، ۱۳۷۶). گذشته بر این، تعالیم آسمانی مملو از آداب و رفتارهایی است که در برخورد با سختی‌ها توصیه شده است و رفتار مذهبی جزء جدانشدنی همه‌ی ادیان الهی است(کشاورز، شاه‌نظری و کلانتری، ۱۳۸۸). ویلیام جیمز^۳(۱۳۵۹) بیان می‌کند ایمان یکی از قوایی است که بشر به کمک آن زندگی می‌کند و نبودن آن در حکم سقوط بشر است، پژوهش‌ها نشان می‌دهند جوامعی که اعمال مذهبی بیش‌تری انجام می‌دهند اضطراب مرگ کم‌تری دارند، هم‌چنین مشخص شده است که اعتقاد قوی‌تر به دنیای پس از مرگ با اضطراب مرگ کم‌تری همراه است(داف و هونگ^۴، ۱۹۹۵؛ به نقل از سلیمان‌نژاد، ۱۳۸۸).

بطور کلی، می‌توان گفت وابستگی و تقید به مذهب با زندگی شاد و کاهش اضطراب و افسردگی رابطه دارد. در این پژوهش رابطه‌ی برخی متغیرهای مذهبی هم‌چون ابعاد جهت‌گیری مذهبی، دلبستگی

¹-secure base

²- Islamic coping strategies

³- James

⁴- Duff , R & Hong , L

به خدا، عمل به باورهای دینی و راهبردهای مقابله‌ی اسلامی با اضطراب مرگ در دانشجویان بررسی شده است هم‌چنین با توجه به همبستگی متغیرها با یک‌دیگر رابطه‌ی احتمالی آن‌ها باهم مورد بررسی قرار گرفته است.

۲-۱- شرح و بیان مسئله‌ی پژوهش

توجه به مرگ به عنوان بارزترین و مسلم‌ترین حقیقت زندگی بشر در روان‌شناسی هستی‌نگر^۱، یکی از مفروضه‌های اصلی به شمار می‌رود (یالوم^۳، ۱۹۸۹) و همواره به نقش محوری اجتناب‌ناپذیر بودن مرگ و راه‌های کنار آمدن با این واقعیت در تبیین‌های نظری - روان‌شناختی تأکید شده است. اضطراب مرگ به‌عنوان یک ترس غیرعادی و بزرگ از مرگ همراه با احساساتی از وحشت از مرگ یا دلهره هنگام فکر به فرایند مردن یا چیزهایی که پس از مرگ رخ می‌دهد تعریف می‌شود (رایس^۴، ۲۰۰۹، به نقل از نادری و شکوهی، ۱۳۸۹). اگر وجود ترس را در انسان واکنشی طبیعی بدانیم، هیچ ترسی طبیعی‌تر از ترس بشر از مرگ نیست. این ترس در زندگی روزمره، تاریخ تفکر، قلمرو عواطف و جهت‌گیری آرزوهای انسان نقشی انکارناپذیر دارد و بر گذشته، حال و آینده‌ی او تأثیر می‌گذارد. در نبرد بی‌امان با اضطراب مرگ، انسان چاره‌ای نخواهد داشت، مگر آن‌که به شیوه‌های گوناگون به مقابله‌ی با آن برخیزد (معمودی، ۱۳۷۲)، یکی از این راه‌ها پناه بردن به مذهب و قدرت ایزدی و انجام اعمال مذهبی است.

مذهب به عنوان یک «نظام با معنی^۵» تصور می‌شود که افراد از آن برای کمک به فهم مسائل جهانی، پیش‌بینی و مهار وقایع و حفظ حرمت خود^۶ استفاده می‌کنند. پارگامنت^۷ (۱۹۹۰) نقش‌های روان‌شناختی مهم و بی‌شمار مذهب را که در کمک به مردم برای درک و کنار آمدن با وقایع زندگی به کار می‌روند توصیف نموده است. مذهب می‌تواند در ایجاد احساس امید، احساس صمیمیت با دیگران، آرامش هیجانی، فرصت خودشکوفایی، احساس راحتی، مهار تکانه، نزدیکی با خدا و کمک به حل مشکلات مؤثر باشد (نیومن و پارگامنت، ۱۹۹۰). آلپورت، مذهب را یکی از عوامل بالقوه‌ی مهم برای سلامت روان

¹- attachment to God

²-existential psychology

³-Yalom

⁴- Rice

⁵- meaning full system

⁶-Self-esteem

⁷-Pargament

می‌داند، وی بر اهمیت رابطه‌ی بین مذهب درونی و سلامت روان تأکید می‌کند و می‌گوید «مطمئناً جهت-گیری مذهبی درونی برخلاف جهت‌گیری مذهبی بیرونی موجب سلامت روان می‌شود» (متئوس تردوی^۱، ۱۹۹۶) به‌نظر می‌رسد افراد مذهبی و غیر مذهبی میزان فشار روانی مشابهی را تجربه می‌کنند، لیکن افراد مذهبی بهتر می‌توانند از منابع مذهبی مانند دعا، نیایش، توکل و توسل به خداوند و ائمه‌ی اطهار برای مقابله استفاده کنند (پورقانع و همکاران، ۱۳۸۹). به اعتقاد پارگامنت (۱۹۹۵) باورهای مذهبی مانند یک سپر در برابر عوامل فشارزای زندگی عمل می‌کنند و از این طریق به راهبردهای مقابله‌ای فرد کمک می‌کنند (به نقل از شعاع‌کاظمی، ۱۳۸۸). رویدادهایی که تنش‌زا تلقی می‌شوند، معمولاً شامل رویداد-های آسیبی فراتر از چهارچوب تجارب عادی زندگی، رویدادهایی مهارنشده، رویدادهایی پیش‌بینی‌ناشدنی، رویدادهایی که بیشینه‌ی توان و خود‌پنداره‌ی شخص و یا تعارض‌های درونی را فرا می‌خوانند، می‌باشند از جمله‌ی این رویدادها مرگ شخص و اطرافیان او می‌باشد (اتکینسون و همکاران، ۲۰۰۰). در برابر رویدادهای آسیب‌زا بسیاری از مردم واکنش‌های روان‌شناختی معینی دارند (هوروویتز، ۱۹۸۶). بطور-کلی فرایند کوشش شخص برای حل و فصل تنش را مقابله^۲ می‌نامند (اتکینسون و همکاران، ۲۰۰۰). از این رو راهبردهای مقابله‌ی اسلامی که از دیگر متغیرهای مذهبی به شمار می‌رود، به عنوان شیوه‌های مؤثر در رویارویی با موقعیت‌های تنش‌زا مطرح شده‌اند و حتی این شیوه‌ها، اثربخشی بیش‌تری در کاهش مشکلات روانی افراد جامعه را نشان داده‌اند (احتشام‌زاده، ۱۳۸۸).

از دیگر جهت، داشتن باورها و اعتقادات مذهبی و اجرای فرائض مربوط به آن در فرد می‌تواند یک نیروی ملکوتی (متافیزیکی) به‌وجود آورد که این نیرو تکیه‌گاه روانی مهمی برای فرد به‌ویژه در لحظات و هنگامه‌های بحران روحی تلقی شود (نجاتی، ۱۳۷۷؛ به نقل از جوادی ایلخچی علیا، ۱۳۸۷). التزام عملی به اعتقادات دینی به عنوان عامل بازدارنده‌ی بسیاری از مشکلات روانی توجه تعداد زیادی از روان‌شناسان را به خود جلب کرده‌ است. منابع اسلامی و نظریات دانشمندان مسلمان گویای این مسئله است که بین التزام عملی به اعتقادات دینی و سلامت روان همبستگی مثبت وجود دارد. در زمینه‌ی تأثیر مثبت روانی ارتباط با پروردگار به صورت فردی و جمعی به هنگام روبه‌رو شدن با سختی‌ها در گنجینه‌ی ذخایر اسلامی شواهد زیادی موجود است در قرآن کریم به‌طور صریح بیان شده است که «یاد خدا موجب

^۱ - mathews Tredway

^۲ - coping

آرامش دل‌هاست»^۱ در واقع می‌توان گفت یکی از مواردی که در پیش‌گیری از اضطراب نقش مهمی دارد مذهب و اعتقاد دینی است (پورقانع و همکاران، ۱۳۸۹). در اصل، انسان آرامش خود را در حمایت و سرپرستی خداوند از خود می‌یابد (نجاتی، ۱۳۷۷، به نقل از جوادی ایلخچی علیا، ۱۳۸۷) و احساس نزدیکی انسان به خدا و برداشتی که او از خداوند به عنوان تکیه‌گاه مطمئن دارد در تحمل سختی‌ها مؤثر بوده و مایه‌ی آسایش و راحتی او می‌باشد. بیش‌تر متدینان و افراد مذهبی، اعتقاد مذهبی را ارتباط با خدا تفسیر می‌کنند و روان‌شناسان معتقدند بیش‌تر ویژگی‌های نظام دل‌بستگی، در ارتباط فرد با خداوند که با عنوان دل‌بستگی به خدا متمایز شده است به روشنی دیده می‌شود. بیش‌تر رفتارها و فضایل معنوی از قبیل توکل به خدا، صبر و استقامت و مقابله‌های مذهبی ریشه در کیفیت دل‌بستگی انسان با خدا دارند در دل‌بستگی ایمن افراد خدا را پایگاه امنی برای جرأت‌یابی در مقابله با سختی‌ها به حساب می‌آورند و در هنگام سختی‌ها به جوارجویی خداوند می‌پردازند و با انجام مناسک مذهبی و رفتن به مکان‌های مقدس، جوارجویی خود را نشان می‌دهند (غباری‌بناب، ۱۳۸۹). از این‌رو می‌توان گفت سبک دل‌بستگی افراد به خداوند می‌تواند به عنوان عامل پیش‌بینی کننده‌ی سلامت روان او باشد.

با توجه به این‌که، مرگ و زندگی بعد از آن یکی از مباحث اساسی در ادیان مختلف به‌شمار می‌رود و این موضوع که ظاهر یافته‌های پیشین نشان می‌دهد که مذهب و دینداری در شرایط متفاوت هم، کاهش دهنده و هم، محرک اضطراب مرگ هستند (علیانسب، ۱۳۸۹)، پژوهش حاضر برخی همبسته‌های مذهبی اضطراب مرگ را مورد بررسی قرار داده و سعی نموده است به این سؤال پاسخ دهد که هر یک از متغیر-های مذهبی جهت‌گیری مذهبی، راهبردهای مقابله‌ی اسلامی، سبک‌های دل‌بستگی به خدا و عمل به باور-های دینی در پیش‌بینی اضطراب مرگ چه سهمی دارند؟

۳-۱- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

نگرش‌های مرضی نسبت به مرگ می‌تواند یکی از تهدیدهای بهداشت روانی به‌شمار آید. به‌طور کلی، روند پژوهش در زمینه‌ی دین در سال‌های اخیر پیشرفت فزاینده‌ای داشته است. در این‌راستا، یکی از حیطه‌های پژوهش رابطه‌ی مذهب و اشتغال ذهنی درباره‌ی مرگ است (محمدزاده و نجفی، ۱۳۸۹). مذهب

^۱ - رعد/ ۲۸

به عنوان عامل مؤثر در کنترل رویدادهای منفی است. دانشمندانی چون یونگ، فرانکل، انجل و آلپورت نظراتی درباره تأثیر مذهب بر یکپارچگی شخصیت انسان و ایجاد آرمانی والا ارائه نموده‌اند و عقیده دارند که کنش مذهبی، تمام جنبه‌های زندگی را در بر می‌گیرد و هم‌چنین انسان را به وجودی متعالی و والا مرتبط می‌سازد و همین امر موجب تشکیل ارزش‌های عالی‌تر در انسان و ایجاد انگیزش و امید به زندگی نقش جدی دارد. انسان به عنوان کامل‌ترین موجود، دارای نیازهای متعددی است. او سراپا نیاز آفریده شده است و همه‌ی زندگی او پیرامون نیاز می‌چرخد (آلیاتی و همایون، ۱۳۸۲). انسان به مدد به‌کارگیری نیروهایی که در طبیعت وجود دارد به بهترین وجه وسایل رفاه و آسایش خود را فراهم کرده است ولی آنچه مشهود است این است که تمدن ماشینی، علی‌رغم مزایا و خوبی‌هایش، نه تنها نیک‌بختی و راحتی آدمی را تأمین نکرده است، بلکه به‌سرعت به تناسب پیشرفت علوم مادی و فن‌آوری، ناراحتی‌های فکری و روانی جدیدی را برای او به ارمغان آورده است. نخستین نتیجه‌ای که در این باره گرفته می‌شود، این است که مهم‌ترین عامل نیک‌بختی انسان در درون اوست و نه بیرون او (صانعی، ۱۳۸۲).

دین به مثابه‌ی عمیق‌ترین منبعی است که موجودیت انسان در آن پرورش یافته و تمام ابعاد آن از جمله وحدت انسان با خداوند به آن وابسته است. بنابه گفته‌ی کامل‌لایل «دین هر فرد، واقعیت وجودی هر انسان را مشخص می‌کند و بر جنبه‌های هویت ملی او اثر می‌گذارد. اعتقادات مذهبی با سرنوشت انسان پیوند می‌خورد و جوشش‌های این اعتقاد در قلب انسان، اصول دیگر زندگی را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد» (یوآخیم، ۱۳۸۰ به نقل از کرمی؛ روغنجی، عطاری، بشلیده، وشکری، ۱۳۸۵). تاریخ بشریت نشان داده است که انسان دین‌ورز^۱، قدمتی دیرینه دارد و آن‌چنان که از مطالعات باستان‌شناسی و انسان‌شناسی از اعصار بسیار دور بر می‌آید، مذهب به عنوان جزء لاینفک زندگی بشری در تمامی اعصار بوده است. ویل دورانت معتقد است: دین به اندازه‌ای غنی و فراگیر و پیچیده است که جنبه‌های مختلف و متفاوت آن برای دیدگاه‌ها و نگرش‌های مختلف به‌گونه‌ای متفاوت جلوه می‌کند. اما آنچه مهم می‌باشد این است که در هیچ دوره‌ای در تاریخ، بشر خالی از اعتقاد دینی نبوده است (صادقی جانبهان و نجم عراقی، ۱۳۷۸).

این‌که حتی یک انسان بی اعتقاد به دین، در شرایط نامطمئن، بحران روحی و درماندگی بطور ناهشیار به خدا و نیروهای ماوراءالطبیعت می‌اندیشد و از او استمداد می‌طلبد یک پدیده‌ی شناخته شده است، به

¹ -Homo religious

گفته‌ی فرانکل بنیانگذار مکتب معنادرمانی در واقع یک احساس مذهبی عمیق ریشه در اعماق ضمیر ناهشیار هر انسانی و همه‌ی انسان‌ها وجود دارد (فرانکل، ۱۳۷۵).

یکی از ضرورت‌های انجام پژوهش در این زمینه شیوع چشم‌گیر این اختلال در زمان حاضر است. پدیده‌ای که تا حدی نتیجه‌ی شرایط خاص جوامع امروزی و بیماری‌ها می‌باشد. طبق پژوهش اگراس^۱ و دیگران (۱۹۶۹)، به نقل از قربانعلی پور، (۱۳۸۹) ۱۶ درصد مردم دارای اضطراب مرگ می‌باشند و ۳ درصد دارای اضطراب مرضی در این خصوص می‌باشند. در نتیجه این اختلال بار سنگینی را بر نظام بهداشت روانی هر جامعه تحمیل می‌کند. حال با توجه به میزان شیوع و ناتوان کنندگی این اختلال، مبنای دیگر برای ضرورت انجام پژوهش در این خصوص ارائه‌ی پیشنهادات بهزیستی مؤثر برای این اختلال می‌باشد.

هم‌چنین با توجه به وجود باورهای مذهبی در دانشجویان و نتایج بعضاً متناقض در زمینه‌ی ارتباط بین مذهب و اضطراب (الیس ۱۹۸۰؛ نیومن، پارگامنت، ۱۹۹۰؛ فروید ۱۹۲۸؛ یونگ، ۱۳۵۴؛ فرام، ۱۹۵۰، به نقل از مختاری، اللهیاری و رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۸۰) و اهمیت به‌کارگیری مذهب در مواجهه با مشکلات و ناملایمات و با توجه به این موضوع که اغلب مطالعاتی که در زمینه‌ی مذهب صورت گرفته رابطه‌ی مذهب را با متغیرهایی مانند میزان تنیدگی (مختاری، اللهیاری و رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۸۰) و اضطراب و حرمت خود (بهرامی احسان، ۱۳۸۱)، شادزیستی (علیپور، ۱۳۸۴)، شخصیت (خداپناهی و خوانین‌زاده، ۱۳۷۹) انجام پذیرفته و آنچه جالب توجه و با اهمیت به‌نظر می‌رسد عدم وجود تحقیقاتی در زمینه‌ی مذهب و اضطراب مرگ در ایران می‌باشد. پژوهش‌های خارجی نیز عمدتاً به بررسی مذهب و اضطراب مرگ با توجه به ادیان مسیحی (کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس) یهودی و بودیسم پرداخته- اند (روکاس^۲، ۲۰۰۵؛ هانتلی^۳ و پیترز^۴، ۲۰۰۵؛ دوریز^۵، سویتز^۶ و بایر^۷، ۲۰۰۴؛ سارقلو^۸، دلپیر^۹ و درنل^{۱۰}، ۲۰۰۴) و آنچه در این میان مورد غفلت شده، سنجش رابطه‌ی این متغیرها در جوامع مسلمان است، از این‌رو،

^۱ - Egrass

^۲ - Rocas

^۳ - Huntely

^۴ - Peeters

^۵ - Duriez

^۶ - Soennes

^۷ - Beyers

^۸ - Saroglou

^۹ - Delpierre

^{۱۰} - Dernel

در پژوهش حاضر تلاش شده است، رابطه‌ی برخی متغیرهای مذهبی با اضطراب مرگ در دانشجویان به منظور افزایش دانش در مورد نگرش‌های مذهبی به مرگ و شناسایی برخی عوامل مرتبط با این حوزه و ارائه‌ی پیشنهادهای جهت حذف و یا حداقل تعدیل آنها، به منظور ارتقاء سلامت روان افراد جامعه مخصوصاً دانشجویان به عنوان قشر جوان و فرهیخته و آینده سازان جامعه، مورد بررسی قرار گیرد.

۴-۱-اهداف پژوهشی

- ۱- تعیین رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی به خدا با اضطراب مرگ
- ۲- تعیین رابطه‌ی ابعاد جهت‌گیری مذهبی با اضطراب مرگ
- ۳- تعیین رابطه‌ی ابعاد راهبردهای مقابله‌ی اسلامی با اضطراب مرگ
- ۴- تعیین رابطه‌ی ابعاد عمل به باورهای دینی با اضطراب مرگ
- ۵- تعیین سهم هریک از متغیرهای سبک‌های دلبستگی به خدا، جهت‌گیری مذهبی، ابعاد راهبردهای مقابله‌ی اسلامی، ابعاد عمل به باورهای دینی در پیش‌بینی اضطراب مرگ.

۵-۱- فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین سبک‌های دلبستگی به خدا و اضطراب مرگ رابطه وجود دارد.
- ۲- بین ابعاد جهت‌گیری مذهبی و اضطراب مرگ رابطه وجود دارد.
- ۳- بین ابعاد راهبردهای مقابله‌ی اسلامی و اضطراب مرگ رابطه وجود دارد.
- ۴- بین ابعاد عمل به باورهای دینی و اضطراب مرگ رابطه وجود دارد.

۱-۵-۱- سؤال پژوهش:

هریک از متغیرهای مذهبی جهت‌گیری مذهبی، راهبردهای مقابله‌ی اسلامی، سبک‌های دل‌بستگی به خدا و عمل به باورهای دینی در پیش‌بینی اضطراب مرگ چه سهمی دارند؟

۱-۶- متغیرها

۱-۶-۱- متغیر ملاک

اضطراب مرگ

۱-۶-۲- متغیرهای پیش‌بین

جهت‌گیری مذهبی

راهبردهای مقابله‌ی اسلامی

سبک‌های دل‌بستگی به خدا

عمل به باورهای دینی

۷-۱- تعاریف مفهومی و عملیاتی

۱- الف: اضطراب مرگ:

اضطراب مرگ عموماً به عنوان احساس ناراحتی توأم با ترسی که معطوف به مرگ خود یا دیگران است و با در نظر گرفتن مرگ به عنوان پایان حیات یا تجسم مراسم تدفین و جسد برانگیخته می‌شود، تعریف می‌شود (فیرستون و کتل^۱، ۲۰۰۹، به نقل از قربانعلی پور، برجعلی، سهرابی و فلسفی نژاد، ۱۳۸۹).

۲- الف: اضطراب مرگ:

در این پژوهش اضطراب مرگ، عبارت از نمره ایست که آزمودنی در آزمون ۱۵ ماده‌ای مقیاس مرگ تمپلر کسب می‌کند. نمره‌ی بیش‌تر از ۷ بیانگر میزان بالا و نمره‌ی کم‌تر از ۶ بیانگر میزان پایین اضطراب مرگ است.

۱- ب: جهت‌گیری مذهبی:

جهت‌گیری مذهبی به دو صورت درونی و بیرونی می‌باشد در جهت‌گیری مذهبی درونی، ایمان به خودی خود به عنوان یک ارزش متعالی نه به خاطر چیزی تلقی می‌گردد و یک تعهد انگیزشی فراگیر، نه وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف در نظر گرفته می‌شود، اما در جهت‌گیری مذهبی بیرونی، مذهب به امری خارجی و ابزاری برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد، به عبارت دیگر دینداری برای کسب امنیت و پایگاه اجتماعی است و افرادی که چنین جهت‌گیری دارند از دین به عنوان وسیله برای رسیدن به حاجات خود استفاده می‌کنند (آپورت، ۱۹۶۷).

¹ -Firestone & Catlett

۲- ب: جهت‌گیری مذهبی:

جهت‌گیری مذهبی، عبارت از نمره ایست که آزمودنی در مقیاس جهت‌گیری مذهبی فگین کسب می‌کند که شامل دو بعد جهت‌گیری مذهبی درونی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی است.

۱- ج: راهبردهای مقابله‌ی اسلامی:

عبارت از به‌کارگیری روش‌های اسلامی - مذهبی در برخورد با مشکلات و ناملازمات، مانند توکل به خدا، قرائت قرآن، راز و نیاز با خدا و دعاکردن می‌باشد (احتشام‌زاده، احدی، عنایتی، ۱۳۸۷).

۲- ج: راهبردهای مقابله‌ی اسلامی:

عبارت از نمره‌ایست که آزمودنی در مقیاس راهبردهای مقابله‌ی اسلامی در شرایط تنش‌زا (احتشام‌زاده و همکاران، ۱۳۸۷) که شامل سه بعد مقابله‌ی رفتاری، شناختی و عاطفی است کسب می‌کند.

۱- د: دل‌بستگی به خدا:

دل‌بستگی به خدا عبارت است از کیفیت پیوند عاطفی، شناختی و رفتاری به خداوند که زیربنای بسیاری از رفتارها و هیجانات مذهبی و معنوی می‌باشد (غباری‌بناب و مورین‌مایتر، ۱۳۸۹).

۲- د: دل‌بستگی به خدا:

عبارت از نمره‌ایست که آزمودنی در مقیاس چندبعدهی سبک‌های دل‌بستگی به خدا بک و مک-دونالد (۲۰۰۴) کسب می‌کند.

۱- ه: عمل به باورهای دینی:

عمل به باورهای دینی شامل ۳ حوزه‌ی عمل به واجبات و ترک محرمات، عمل به مستحبات، انگیزه‌ها و روابط دینی است. (گلزاری، ۱۳۸۵).

۲- ه: عمل به باورهای دینی:

در این پژوهش به‌طور دقیق و علمی منظور از عمل به باورهای دینی نمره‌ایست که آزمودنی از آزمون معبد (گلزاری، ۱۳۸۵) کسب می‌کند.

فصل دوم

ادبیات و پیشینه‌ی پژوهش

آنان که برای دستیابی به حقیقت به سخن گوش می‌سپارند و بهترین آن را پیروی می‌کنند. اینانند که خدا
آنان را راه نموده است و اینانند خردمندان. زمر/ ۱۸